



## دیدار مسؤولین و گروه کثیری از امت حزب الله در سالروز ولادت حضرت امام زمان (عج) - 22 / اسفند / 1368

بسم الله الرحمن الرحيم

متقابلا عید بزرگ و میلاد تاریخی و فرخنده‌ی حضرت ولی عصر (عج) را به شما برادران و خواهران و به همهی ملت بزرگ ایران و مسلمین جهان، بلکه به تمامی مستضعفان سراسر عالم تبریک عرض می‌کنم. ارتباط قلبی یکایک مردم مؤمن با مقام ولایت عظمی و ولی الله اعظم، یکی از برکاتی است که از مشخص بودن مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در عقیده‌ی مردم ما ناشی می‌شود. ما علاوه بر اعتقاد به اصل وجود مهدی و این که کسی خواهد آمد و دنیا را از عدل و داد پر خواهد کرد، شخص مهدی را هم می‌شناسیم و نام و کنیه و پدر و مادر و تاریخ ولادت و کیفیات غیبت و اصحاب نزدیک و حتی بعضی از کیفیات هنگام ظهور او را نیز می‌دانیم. اگرچه آن شخصیت درخشان و خورشید تابان را در بیرون و محیط زندگی خود نمی‌بینیم و او را تطبیق نمی‌کنیم، اما معرفت به حال او داریم.

رابطه‌ی بین شیعیانی که این اعتقاد را دارند، با مقام ولایت و مهدی موعود، یک رابطه‌ی دایمی است و چه قدر خوب و بلکه لازم است که یکایک ما، قلبا هم این رابطه را با توجه و توسل و حرف زدن با آن حضرت حفظ کنیم. طبق همین زیاراتی که وارد شده و بعضا مأثور است و به احتمال زیاد به خود معصوم (ع) مستند می‌باشد، این رابطه‌ی قلبی و معنوی بین آحاد مردم و امام زمان (عج) یک امر مستحسن، بلکه لازم و دارای آثاری است؛ زیرا امید و انتظار را به طور دایم در دل انسان زنده نگه می‌دارد.

انتظار، یکی از پربرکت‌ترین حالات انسان است؛ آن هم در انتظار دنیایی روشن از نور عدل و داد. "یملأ الله به الارض قسطا و عدلا". خدای متعال به دست او، سرزمین بشری و همهی روی زمین را از عدالت و دادگستری پر خواهد کرد. انتظار چنین روزی را باید داشت. نباید اجازه داد که تصرف شیطانها و ظلم و عدوان طواغیت عالم، شعله‌ی امید را در دل خاموش کند. باید انتظار کشید. انتظار، چیز عجیبی است و دارای ابعاد گوناگونی می‌باشد. یکی از ابعاد انتظار، اعتماد و امیدواری به آینده و مایوس نبودن است. همین روح انتظار است که به انسان تعلیم می‌دهد تا در راه خیر و صلاح مبارزه کند. اگر انتظار و امید نباشد، مبارزه معنی ندارد و اگر اطمینان به آینده هم نباشد، انتظار معنی ندارد. انتظار واقعی، با اطمینان و اعتماد ملازم است. کسی که شما می‌دانید خواهد آمد، انتظارش را می‌کشید و انتظار کسی که به آمدنش اعتماد و اطمینان ندارید، انتظاری حقیقی نیست. اعتماد، لازمه‌ی انتظار است و این هر دو، ملازم با امید است و امروز این امید، امری لازم برای همهی ملتها و مردم دنیا می‌باشد. دنیا در طول تاریخ طولانی بشر، ادوار سیاه و تاریکی به خود دیده است؛ اما بدون شك، یکی از تاریکترین ادوار زندگی بشر و تلخترین روزگارهای عمومی مردم عالم، همین روزگار کنونی است که در آن هیچ تردیدی نباید کرد و این به خاطر تسلط روزافزون قدرتهای شیطانی و بزرگ عالم بر زندگی انسانهاست.

اگر شما به وضع دنیا نگاه کنید، قضیه روشن می‌شود. در دنیا، قدرتها عالم را بین خودشان تقسیم کرده بودند و روزه‌روز تسلط و تصرف قدرتهای بزرگ نسبت به مناطق گوناگون عالم، سخت‌تر و سنگین‌تر شده است. مثلا امروز دخالت قدرت شیطانی و طاغوتی امریکا در زندگی ملتها، از همیشه بیشتر است. در همهی شؤون عمده و اساسی ملتها دخالت می‌کنند و این دخالت، منحصر به مسایل اقتصادی ملتها نیست؛ بلکه در فرهنگ و سیاست و اداره‌ی امور و تعیین مدیران امور کشورها نیز دخالت می‌کنند. اگر کسانی در جوامع گوناگون اوضاع را نفهمند و ندانند، راحت زندگی می‌کنند؛ اما صاحبان فکر و افراد هوشمند و روشنفکر و کسانی که می‌فهمند قدرتهای طاغوتی با زندگی و سرنوشت آنها چه می‌کنند، حقیقتا دنیا برای آنها تیره و تار است و زندانی بیش نیست. "ضاقت علیهم الارض بما رحبت". حقیقتا انسانهای هوشمند در بسیاری از مناطق دنیا، این‌گونه زندگی می‌کنند. اگر در دلها



امید به روزگار روشن باشد، مبارزه ممکن است و اگر امید بمیرد، مبارزه و حرکت به سمت صلاح هم خواهد مرد. واقعیت دیگر آن است که امروز ما در دنیا شاهد بیداری ملتها هم هستیم. درست است که با پیشرفت وسایل جدید و تلویزیون و رادیو و تبلیغات و پول و امکانات صنعتی و غیره، تسلط قدرتهای استکباری بر ملتها و بر شؤون آنها روزبه‌روز بیشتر شده است؛ اما سنت الهی بر این قرار گرفته که ملتها هم بیدار بشوند و ما امروز می‌بینیم که ملتها هم روزبه‌روز بیدار می‌شوند و این به خاطر امیدی است که آنها به آینده پیدا کرده‌اند.

امید، در حال بیدار کردن ملتهاست. بدون شك، مهمترین وسیله‌ی امید برای ملتها در ده سال اخیر، پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، تشکیل حکومت مردم، تأسیس حکومت "نه شرقی و نه غربی" و پیشرفت سیاست مقاومت در مقابل قدرتهای استکباری بود. این وقایع، به مردم دنیا - خصوصاً مسلمانان - امید بخشید و آنها را بیدار کرد. این، صنع الهی و قدرت خدا بود.

چه قدر تبلیغات جهانی این جمله‌ی امام عزیز و فقیه‌مان را کوبیدند که فرموده بودند: "ما انقلابمان را به همه‌ی عالم صادر خواهیم کرد". صدور انقلاب به معنای این نبود که ما برمی‌خیزیم و با قوت و قدرت به این طرف و آن طرف می‌رویم و جنگ راه می‌اندازیم و مردم را به شورش و انقلاب وادار می‌کنیم؛ مقصود امام به هیچ‌وجه این نبود. این کار جزو سیاستها و اصول ما نیست؛ بلکه مردود است. آنها این جمله را این‌گونه معنا کردند و آن را کوبیدند.

معنای صدور انقلاب این است که ملتهای دنیا ببینند يك ملت، با قدرت خود و با اتکاء به اراده و عزم خویش و با توکل به خدا می‌تواند ایستادگی کند و تسلیم نشود. اگر ملتها این پایداری را دیدند، باور خواهند کرد و تشویق خواهند شد که خودشان را از زیر بار ظلم نجات بدهند. امروز شما واضحترین حرکات مسلمین را در جاهایی می‌بینید که سالهای متمادی مسلمانهای آن‌جا زیر فشار بودند؛ مثل کشمیر و سایر کشورهایی که امروز مسلمانها سر بلند کرده‌اند. البته، بر اینها فشار خواهند آورد و فشار آوردند و ظلم کردند؛ اما فشار به معنای از بین بردن نتیجه‌ی کار نیست. فشار قادر نیست که يك حرکت مستمر و متوکل بر خدا را متوقف بکند؛ بلکه گاهی فشار، آن حرکت را وسیعتر هم خواهد کرد.

شما اگر امروز به مردم فلسطین در داخل سرزمینهای اشغالی نگاه کنید، می‌بینید که حقیقتاً مردم با فشار مبارزه کردند. این مبارزه در شرایط سختی در فلسطین انجام می‌گیرد؛ اما مردم این مبارزه را ادامه دادند. همین ملت افغانستان که با سختیهای بسیار مواجه شدند و در سرتاسر دنیا هیچ‌کس نبود که حتی يك روز به داد اینها برسد و به آنها کمک کند، تنها و مظلومانه جنگیدند و ایستادند و ادامه دادند. بقیه‌ی ملتها هم همین‌گونه‌اند و این از الگوی اسلام و جمهوری اسلامی در ایران ناشی می‌شود. انقلاب، این‌طور صادر می‌شود و درس و تعلیم و سرمشق برای ملتها به وجود می‌آورد.

آنچه که امروز دستگاه استعماری امریکا و اذتاب او و سایر دشمنان اسلام و انقلاب به دنبال آن هستند، این است که چهره‌ی مقاومت ملت ایران را در سطح جهان مخدوش کنند. مردم دنیا از مقاومت شما امیدوار شدند؛ چون دیدند شما ایستادگی کردید و در مقابل فشار زانو نزدید. اگر دشمن بخواهد امید را از مردم دنیا بگیرد، چه کار باید کند؟ باید به مردم دنیا وانمود کند که ملت ایران نتوانستند پایداری کنند و مقاومتشان تمام شد. اگر - العیاذ بالله امریکا و تبلیغات غرب و استکبار بتوانند این حرف را در دنیا به کرسی بنشانند که ملت ایران هم با این همه ادعا و هیاهو، بالاخره نتوانست طاقت بیاورد و به زانو درآمد، در این صورت به مقصود خود رسیده‌اند و در نتیجه همان امیدی که در دل‌های مسلمانها و ملتها و مستضعفان به‌وجود آمده بود، به یأس مبدل خواهد شد.

اگر به تبلیغات استکباری و امریکایی و غربی و صهیونیستی نگاه کنید، خواهید دید که تمام کارهای آنها، روی همین يك نقطه متمرکز است. به عبارت دیگر، هر چیزی که نشان‌دهنده‌ی امید و مقاومت ملت ایران است، آن را



منعکس نمی‌کنند. آنها وحدت و شور و حماسه‌ی مردم و حضور گسترده‌ی ملت ما را در راهپیمایی‌های عظیم 22 بهمن و سایر مناسبتها، عمدا منعکس نمی‌کنند و خبر فعالیتها و پیشرفتهای دولت جمهوری اسلامی را منتشر نمی‌سازند و از وفاداری بی‌نظیر ملت ما نسبت به دستگاههای مسؤول حرفی نمی‌زنند و حتی خبر پیروزی ایران در مقابل کسانی که ادعاهای حقوق بشری داشتند و پس از سفر نماینده‌ی سازمان ملل به ایران، ادعاهای دشمنان انقلاب و منافقان را تأیید نکردند و آنها را در گزارش خود رسوا ساختند، در رسانه‌های استکباری درست منعکس نشد.

آنها کمال خباثت را در انعکاس حقایق روشن ملت ایران اعمال می‌کنند؛ چون اگر مردم دنیا بفهمند که در بیست و دوم بهمن بعد از رحلت امام، چنین حرکت عظیمی انجام گرفت، امیدشان بیشتر خواهد شد. آنها نشانه‌ی مقاومت ملت ایران را منعکس نمی‌کنند. در دوران جنگ هم پیروزی‌های ملت ما را منعکس نمی‌کردند. آن روزی که رزمندگان سلحشور ما خرمشهر را پس گرفته بودند، خبر آن را منعکس نکردند.

به طور کلی، هر چیزی که نشاندهنده‌ی مقاومت و امید و ایستادگی ملت ایران در مقابل قدرتهاست و به ملت‌های دیگر امید می‌دهد، آن را مکتوم نگه می‌دارند و پخش نمی‌کنند؛ اما بعکس، اگر چیزی موجب ناامیدی می‌شود، آن را منتشر می‌کنند! فرض کنید ناطقی در یک جا حرفی بزند و آماري به راست یا دروغ بدهد که حکایت از یک نارسایی و نابسامانی کند، می‌بینید تمام رادیوهای بیگانه آن را پخش می‌کنند! اگر کسی ادعا کند که اختلاف و تفرقه هست، یا حرفی بزند که بوی اختلاف و تفرقه در آن باشد، این حرف و ادعا را با صدها زبان منعکس می‌کنند تا نشان دهند که در ایران اختلاف و تفرقه وجود دارد!

با وجود ابتکار و پیشرفت در کارهای شما و ورودتان در زمینه‌های جدید علمی و عملی، رادیوهای بیگانه درصد این نیستند که پیشرفتهای جمهوری اسلامی در زمینه‌های مختلف را به جهانیان منعکس نمایند؛ بلکه اگر نقاط ضعفی پیدا کنند، آن را ده برابر جلوه می‌دهند؛ چون وضعیت شما مردم برای قدرتها دردسر خواهد داشت و در روحیه‌ی ملت‌های دیگر اثر می‌گذارد و قدرتهای استکباری نمی‌خواهند مقاومت و ادامه‌ی حیات قدرتمندانه‌ی شما، به دیگران امید بدهد.

البته، خدای متعال با ماست. در تمام مراحل این دوران یازده سال، خداوند به ما کمک کرده و باز هم کمک او شامل حال ملت ایران خواهد بود - در این تردیدی نیست - شرطش این است که در کارهای خودمان، خدا را در نظر داشته باشیم؛ خصوصاً ما مسؤولان و کسانی که کاری در اختیار آنهاست، سعی کنند کار را برای خدا و صلاح ملت، خوب انجام بدهند.

ما که منتظر امام زمان هستیم، باید در جهتی که حکومت امام زمان (علیه‌الاف التحیه‌والثناءوعجل‌الله‌تعالی‌فرجه) تشکیل خواهد شد، زندگی امروز را در همان جهت بسازیم و بنا کنیم. البته، ما کوچکتر از آن هستیم که بتوانیم آن گونه بنایی را که اولیای الهی ساختند یا خواهند ساخت، بنا کنیم؛ اما باید در آن جهت تلاش و کار کنیم. مظهر عدل پروردگار، امام زمان (عج) است و می‌دانیم که بزرگترین خصوصیت امام زمان (علیه‌الصلاه‌والسلام) - که در دعاها و زیارات و روایات آمده است - عدالت می‌باشد: "یملأ الله به الارض قسطاً و عدلاً". ما باید امروز جامعه را جامعه‌ی عدالت بکنیم. در بنای یک جامعه، عدالت از همه چیز مهمتر است. عدالت، به معنای عدم تبعیض در حقوق و حدود و احکام است. عدالت، یعنی کمک به مردم محروم و ضعیف. عدالت، یعنی این که برنامه‌ها و حرکت کلی کشور، در جهت تأمین زندگی مستضعفان باشد. عدالت، به معنای این است که کسانی که در زیر سایه‌ی سنگین نظام طاغوتی، از حقوق خود محروم ماندند، به حقوقشان برسند. عدالت، یعنی این که عده‌ی خاصی برای خودشان حق ویژه‌ی قایل نباشند. عدالت، یعنی این که حقوق انسانی و اجتماعی و عمومی و حدود الهی، یکسان بر مردم اجرا شود. اگر جلوی کسانی که با تکیه بر فریب و زور و یا بر اساس کارهای ناصحیح و مبتنی بر



عقله‌های مادی و منحرف از معنویت، توانستند به چیزهایی که حق آنها نبوده است، دست پیدا کنند، گرفته شود تا فرصتی برای ادامه‌ی کار خود پیدا نکنند، عدالت تحقق پیدا کرده است.

البته، کمک به مظلومان و محرومان، شامل کمک‌های فردی هم می‌شود، اما قضیه بالاتر از اینهاست؛ زیرا تحقق زندگی عادلانه به این است که کمک نظام و تشکیلات و حرکت آن، در جهت کمک به مستضعفان باشد. ما اگر در این جهت، زندگی خود را پیش بردیم و حرکت کردیم، مطمئناً خدای متعال کمک خواهد کرد و قدرتهای مادی نخواهند توانست با این ترفندها و فریبها، ملت ما را از راه پرافتخار خود منصرف کنند و مقاومتش را بگیرند. ان شاء الله روزبه روز مقاومت مردم بیشتر خواهد شد.

امیدواریم به برکت دعای ولی عصر ( ارواحنا فداه ) و با لطف و توجهات الهی، ملت ایران این راه را با سلامت به آخرین گامهای خود برسانند و دل‌های خانواده‌های محترم شهدا و جانبازان عزیزمان و بقیه‌ی کسانی که در راه این انقلاب آسیبهایی را متحمل شده‌اند؛ شاد بشود و ان شاء الله چشم‌های همه به زیارت ولی عصر ( ارواحنا فداه ) روشن گردد.

والسلام علیکم ورحمه الله و برکاته